

**ICESAL 2015**  
International Conference on  
Engineering Sciences  
Art and Law



**ICEMSS 2015**  
International Conference on  
Economics, Management  
and Social Sciences

## جرم انگاری اختلاس در شرکتهای خصوصی

فریده سهامی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق ... دانشگاه آزاد واحد بین الملل قشم

Faride.sahami@gmail.com

محسن دلاوری پاریزی

هیات علمی دانشگاه آزاد واحد بین الملل قشم

Mdelavari4@gmail.com

### چکیده:

امروزه در بسیاری از کشورها بانکها، موسسات، شرکتهای تعاونی خصوصی، احزاب، سندیکاها و صدها مورد دیگر، اموال مردم را در اختیار دارند، حال سوالی که مطرح است این است که اگر یکی از کارمندان احزاب سیاسی یا شرکتهای خصوصی و غیره، اموالی را که به حسب وظیفه به او سپرده شده است تصاحب نماید آیا می توان با توسعه دایره جرم اختلاس، از اموال چنین شرکتهایی نیز حمایت کیفری نمود. در حقیقت سوال فوق به این نکته بر می گردد که در تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن شرط است یا این که معیار تحقق این جرم در اختیار داشتن اموال دیگران بر حسب وظیفه و تصاحب آنها به نفع خود یا دیگری می باشد؟ این تحقیق با هدف شناخت اختلاس در شرکتهای خصوصی با روش توصیفی کتابخانه ای به انجام رسیده است.

واژگان کلیدی: جرم، جرم انگاری، اختلاس، شرکت، خصوصی



#### مقدمه:

امروزه برای اداره جامعه و سامان بخشیدن به روابط اجتماعی و بهره مندی مردم از مواهب و نعمات موجود در طبیعت، بخش عظیمی از سرمایه ها و اموال موجود در یک کشور در اختیار کارکنان قرار می گیرد؛ این دسته از اموال و سرمایه ها را خطرات زیادی مورد تهدید قرار می دهد و همواره احتمال می رود که اموال دولت یا اموال اشخاص که به حسب وظیفه به کارمند دولت سپرده شده است، به نوعی مورد استفاده غیر قانونی واقع شود و برخلاف هدف مورد نظر، از آن بهره برداری شخصی شود و یا این که آن را به نفع خود یا دیگری تصاحب نماید.

به منظور جلوگیری از سوء استفاده های کارمندان دولت از سرمایه و اموال موجود در اختیار آنها و تضمین هر چه بیشتر منافع دولت و ملت، قانونگذار در صدد حمایت کیفری از این دسته از اموال و سرمایه ها بر آمده است و کسانی را که متولی امور اجتماعی بوده و امکانات و داراییهای عمومی در اختیار آنهاست از دخل و تصرف برخلاف موازین قانونی و استفاده شخصی یا تصاحب آنها به نفع خود یا دیگری ممنوع کرده است. این حمایت کیفری تحت عناوین مختلفی در قانون آمده است که از جمله مهمترین آنها «جرم اختلاس» می باشد.<sup>۱</sup> اختلاس عبارتست از: «تصاحب همراه با سوء نیت اموال دولت یا اشخاص توسط مستخدم دولت که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته است به نفع خود یا دیگری<sup>۲</sup>». به هر حال یکی از بارزترین مشکلات و معضلات جهان بالاخص کشورهای جهان سوم و کشورهای در حال توسعه، تخلفات و جرایم کارکنان دولت و سوء استفاده های مالی آنها از اموال سپرده شده به آنها می باشد. علی رغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب این جرم در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد.<sup>۳</sup> اختلاسها بخصوص توسط کارمندان بلند پایه، اهمیت قضیه را دوچندان می کند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که همانند قوانین اساسی سایر کشورها، در آن نمادی ترین و مهمترین مطالب بیان گردیده، در اصل ۴۹ دولت را موظف کرده است تا ثروتهای ناشی از اختلاس را گرفته و حسب مورد به بیت المال یا صاحب حق برگرداند.

#### ضرورت و اهمیت تحقیق:

در همه ی کشورها خصوصا جهان سوم دنیا فساد بعنوان یک پدیده بغرنج و یک چالش اساسی مطرح می گردد.<sup>۴</sup> چه فساد، قانونمندی و موثریت ادارات دولتی را زیر سوال برده و تمام ابعاد روند باز سازی و استقرار سیاسی اقتصادی به شمول برنامه های خلع سلاح، پروژه های اعمار مجدد، رشد اقتصادی و سایر برنامه های عمرانی را صدمه می رساند. بررسی دقیق این موضوع نیاز به تحقیقات آکادمیک بیشتر دارد. تحقیقاتی که تاکنون در مورد اثرات فساد در کشورهای جهان سوم صورت گرفته است حاکی از تنش شدید میان اهداف درازمدت بازسازی به شمول ایجاد ادارات فعال، شفاف و سالم در یکطرف و اهداف کوتاه مدت دست یابی برای صلح در طرف دیگر می باشد.<sup>۵</sup>

۱. عالی پور، ۱۳۸۴

۲. ذوالمجد طباطبایی، ۱۳۳۹

۳. همان

۴. ربیعی، ۱۳۸۵

۵. رفیع پور، ۱۳۸۶



همانطور که با مطالعه تحلیل تاریخی فساد و پیامدها و آثار سوء آن در سازمان‌ها و به ویژه در جامعه مشخص شد، فساد اداری - مالی به عنوان یک بیماری مسری و مهلک خود را نشان داده است که افزون بر متلاشی کردن سازمان از درون، از یک سازمان به سازمان دیگر و از یک نهاد به نهاد دیگر سرایت می‌کند تا آنجا که همه نهادهای موجود را تحلیل می‌برد و این پندار در مردم تقویت می‌شود که مقامات دولتی و نخبگان اقتصادی، منابع مالی را به یغما برده و حیف و میل می‌کنند.<sup>۶</sup> این دیدگاه منفی نسبت به دولت می‌تواند به بحران‌های سیاسی با پیامدهای جدی امنیتی منتهی شود. چه این که بنا بر آمار موجود، رتبه شفافیت در ایران، از متوسط جامعه جهانی پایین‌تر بوده و به زعم سازمان بین‌المللی شفافیت، این نتایج حاکی از افزایش میزان فساد، علیرغم وجود نهادهای نظارتی و اعمال قوانین متعدد می‌باشد. به عنوان نمونه، بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی شفافیت<sup>۷</sup> در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ نمره کل فساد در ایران از عدد ۱۰ به ترتیب برابر با ۲/۹، ۲/۹، ۲/۷ و ۲/۵ بوده و به ترتیب در بین ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۳ و ۱۸۰ کشور مورد بررسی، رتبه‌های ۸۸، ۹۳، ۱۰۶ و ۱۳۱ را به دست آورده است.<sup>۸</sup> ضمن این که در سال ۲۰۰۹، نمره فساد در ایران به ۱/۸ نیز رسیده است. این موضوع بیانگر آن است که از دیدگاه جهانی، درجه شیوع فساد در ایران رو به افزایش بوده است.

در شرایطی که ایران باید در حرکتی رو به توسعه در سال ۱۴۰۴ وضعیت برتری را نسبت به ۲۵ کشور جهان کسب نماید و با توجه به کلیت مثبت قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، و نظر به همتی که باید در طول این سالها از جمله در زمینه‌ی جهاد و پیشرفت اقتصادی مبذول گردد، یکی از مهمترین آفت‌های نیل به چنین مقصودی مسئله‌ی «اختلاس‌ها» است.

#### سوالات تحقیق:

- اختلاس در شرکتهای خصوصی دارای چه ابعادی است و چه تاثیری بر نظام اقتصادی آن شرکتها دارد؟
- جایگاه قانون در رسیدگی به جرم اختلاس در شرکتهای خصوصی چگونه است؟
- امکان اختلاس در شرکت های خصوصی بر چه اساسی امکان پذیر است؟

#### پیشینه تحقیق:

- رضانی (۱۳۷۹) از نکات قابل توجه در این تحقیق وی علاوه بر اثبات این مطلب که معیار تحقق جرم اختلاس تصاحب و برخورد مالکانه کردن با مال می باشد، می توان دایره این جرم را به اموال بانکهای خصوصی، شرکتهای سهامی غیر دولتی، احزاب، سندیکاها و نیز به اموال غیر منقول، تعمیم داد.

- جیب زاده (۱۳۸۰) در مقاله ای با عنوان بررسی تطبیقی اختلاس و تصرف غیر قانونی در حقوق کیفری ایران: جرم اختلاس و تصرف غیر قانونی از جمله جرایم علیه آسایش عمومی هستند که در ابعاد و جنبه های چندی با یکدیگر اشتراک دارند و در پاره ای دیگر متفاوتند آنچه بیش از همه این دو جرم را به هم شبیه می کند وصف خصوصیت مرتکب است که در هر دو مرتکب باید مستخدم دولت و یا شخص در حکم مستخدم دولت باشد.

۶ فتح‌آبادی، ۱۳۸۳

7. Report on Transparency International

۸ سازمان بین‌المللی شفافیت، ۲۰۰۷



- بوستانچی (۱۳۸۷) اختلاس اموال عمومی، همزاد با تشکیل حکومت مطرح بوده و قدمتی به اندازه خوددولتها دارد. اختلاس از جمله تعدیات کارمندان و کارکنان دولت و مؤسسات و شرکتهایدولتی و یا وابسته به دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که به اموالمتعلق به دولت یا اشخاص دیگر، صورت می‌گیرد و همواره به عنوان تهدیدی جدی علیه دولت و ملت قلمداد می‌گردد.

- آقابابایی (۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان " راهبردهای جدید سیاست جنایی در مبارزه با فساد با تاکید بر جرایم ارتشا و اختلاس" می‌نویسد: ضرورت مبارزه با فساد اقتصادی و مالی در سطح ملی و بین المللی به ایجاد سیاست های جنایی خاصی حول این موضوع منجر شده است. تلاش های ملی و منطقه ای برای مبارزه همه جانبه با فساد، به تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد انجامیده است.

- مارک فیلیپ: بانک جهانی فساد را «سوء استفاده از قدرت و مقام مأمور یا بدنه دولت برای منافع شخصی» عنوان می‌کند. به عقیده من فساد مالی عبارت از عملکرد منفعت جویانه کسانی می‌باشد که با استفاده از قدرت و موقف دولتی که در اختیار دارند برای برآ آورده ساختن منافع و مقاصد شخصی، خانوادگی، قومی و یا گروهی از فرصت های سیاسی و اقتصادی سوء استفاده می‌کنند.<sup>۹</sup>

کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: نکات مربوط به بخش خصوصی:

#### ماده ۱۲ - بخش خصوصی

۱- هر کشور عضو، طبق اصول اساسی قوانین داخلی خود، اقداماتی را اتخاذ خواهند نمود تا از فساد بخش خصوصی جلوگیری کند، استانداردهای حسابرسی و ممیزی را در بخش خصوصی ارتقاء دهد و در صورت اقتضاء مجازاتهای مؤثر، بازدارنده مدنی، اداری یا کیفری مناسب را به خاطر قصور در پیروی از چنین اقداماتی، در نظر بگیرد.

۲- اقدامات جهت دستیابی به این اهداف، ممکن است از جمله شامل موارد زیر شود:

الف - ارتقاء همکاری بین نهادهای مجری قانون و واحدهای خصوصی مربوط.

ب - ترغیب توسعه استانداردها و تشریفات طراحی شده جهت حفظ یکپارچگی واحدهای خصوصی مربوط از جمله نحوه رفتار جهت اجراء درست، آبرومندانه و مناسب فعالیتهای شغلی و کلیه حرف مربوط و جلوگیری از تنازع منافع و جهت ارتقاء استفاده از رویه‌های تجاری مناسب در بین مشاغل و در روابط قراردادی مشاغل با دولت.

پ - ارتقاء شفافیت در بین واحدهای خصوصی از جمله در صورت اقتضاء اقداماتی در خصوص هویت اشخاص حقیقی و حقوقی دخیل در ایجاد و مدیریت شخصیت حقوقی شرکتها.

ت - پیشگیری از سوء استفاده از تشریفات مربوط به واحدهای خصوصی از جمله تشریفات مربوط به یارانه‌ها و پروانه‌های اعطاء شده توسط مراجع دولتی جهت فعالیتهای بازرگانی.

<sup>۹</sup>. *Corruption and Post-Conflict Peace-Building*, Dominik Zuan and Christina Cheng p. ۲



ث - جلوگیری از تعارض منافع از طریق وضع محدودیتها به نحو مقتضی و برای مدت معقولی بر فعالیتهای حرفه‌ای مقامات دولتی قبلی یا استخدام مقامات دولتی توسط بخش خصوصی بعد از استعفاء یا بازنشستگی در صورتی که چنین فعالیتهای یا استخدامها به طور مستقیم به وظایفی مربوط شود که این گونه مقامات دولتی در زمان تصدی برعهده یا بر آنها نظارت داشته‌اند.

ج - تضمین این که مؤسسات خصوصی با مدنظر قراردادن ساختار و اندازه خود، کنترل‌های ممیزی داخلی کافی جهت کمک به جلوگیری و کشف فساد را دارند و این که حسابها و صورتحسابهای مالی لازم چنین مؤسسات خصوصی مشمول ممیزی مناسب و تشریفات تأیید قرار گیرد.

۳- هر کشور عضو، جهت پیشگیری از فساد، طبق قوانین و مقررات خود که مربوط به حفظ دفاتر و سوابق، اعلام کتبی وضع مالی و استانداردهای ممیزی و حسابرسی است، اقدامات مقتضی را جهت ممنوع کردن اعمال زیر که با هدف ارتکاب هر یک از جرائم احراز شده براساس این کنوانسیون انجام شده است، اتخاذ خواهد نمود:

الف - دایر کردن حسابهای خارج از دفاتر.

ب - دایر کردن معاملات مخفی یا معاملاتی که به اندازه کافی مشخص نیستند.

پ - ثبت هزینه‌هایی که وجود خارجی ندارد.

ت - ثبت دیون همراه با شناسایی نادرست اهداف آنها.

ث - استفاده از اسناد جعلی؛ و

ج - ناپودی عمدی اسناد حسابداری قبل از موعدی که قانون پیش‌بینی کرده است.

۴- هر کشور عضو، اجازه کسر مالیات هزینه‌های تشکیل دهنده رشوه‌خواری را که یکی از عناصر تشکیل دهنده جرائم احراز شده براساس مواد (۱۵) و (۱۶) این کنوانسیون می‌باشد و در صورت اقتضاء سایر هزینه‌های متحمل شده در پیشبرد رفتار فسادآور را نخواهد داد.

ماده ۲۲ - اختلاس اموال در بخش خصوصی

هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد تا ارتکاب اختلاس در حین فعالیتهای اقتصادی، مالی یا بازرگانی، توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می‌کند یا آن را اداره می‌کند، از هر مالی، وجوه خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزشی که به موجب جایگاه شغلی وی، به او واگذار شده است، در صورتی که به صورت عمدی ارتکاب یافته باشد، به عنوان جرم کیفری تلقی گردد.

ماده ۳۹ - همکاری بین مراجع ملی و بخش خصوصی

۱- هر کشور عضو، اقداماتی که ممکن است لازم باشد را اتخاذ خواهد نمود تا طبق قانون داخلی خود، همکاری بین مراجع ملی تحقیق و پیگرد و واحدهای بخش خصوصی به‌ویژه مؤسسات مالی مربوط به مسائل دخیل در ارتکاب جرائم احراز شده براساس این کنوانسیون را ترغیب نماید.

۲- هر کشور عضو، تشویق اتباع خود و سایر افراد مقیم در قلمرو خود برای گزارش نمودن ارتکاب جرائم احراز شده براساس این کنوانسیون به مراجع ملی تحقیق و پیگرد را مورد بررسی قرار خواهد داد.

عناصر تشکیل دهنده اختلاس



### بند اول: رکن قانونی

عنصر قانونی جرم اختلاس و شروع به آن در حقوق ایران در حال حاضر ماده ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می باشد. علی رغم تصویب قانون جدید تعزیرات در سال ۱۳۷۵ با عنایت به جامعیت قانون تشدید در باره اختلاس، ماده ۵ این قانون همچنان به عنوان عنصر قانونی جرم اختلاس به قوت خود باقی است؛ بنابراین توهّم برخی از نویسندگان ۱۰ مبنی بر لغو ماده ۵ توسط ماده ۵۹۸ ق.م.ا، کاملاً بی اساس است. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه شماره (۷/۶۱۶۶ - سال ۱۳۷۶) اشعار می دارد: "آنچه در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری آمده و عنوان اختلاس دارد با موضوع ماده ۵۹۸ قانون تعزیرات که مربوط به تصرف غیر قانونی است، جرایم جداگانه هستند و ماده ۵۹۸ اخیرالذکر به قوت خود باقی است." یکی از حقوقدانان در این باره می گوید: «با عنایت به این که این قانون (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۴ و در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید) از هر لحاظ جامع و مانع بود. به همین جهت در سال ۱۳۷۵ که قانون تعزیرات اصلاح شد، بحثی تحت عنوان اختلاس در این قانون جدید پیش بینی نگردید و در حال حاضر رکن قانونی جرم اختلاس اموال دولتی مقررات ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری می باشد»<sup>۱۱</sup>. جرم اختلاس اموال دولتی قبلاً در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی سابق پیش بینی شده بود: "هر یک از اشخاص مذکور در ماده ۲ قانون تشکیل دیوان کیفر، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات مندرج در آن ماده یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب کرده و یا عمداً تلف نماید، مختلس محسوب و... مجازات خواهد شد." اشخاص مذکور در ماده ۲ لایحه مربوط به تشکیل دیوان کیفر کارکنان دولت و طرز تعقیب ماموران دولتی در محل خدمت مصوب ۱۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۴ عبارت بودند از: «معاونان و وزیران کلوزارتخانه‌ها و معاونان نخست وزیر و مدیران کل نخست وزیری و سازمانها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و سفراء و رؤسای دانشکده‌ها و دانشگاهها و مؤسسات عالی علمی دیگر که از طرف دولت یا با کمک مستمر دولت اداره می شوند و استانداران و فرمانداران رؤسای ادارات استانها و شهرستانها و شهرداران مراکز شهرستانها و رؤسا و مدیران و اعضای هیات مدیره و هیات عامل شرکتها و مؤسسات و سازمانهای دولتی و وابسته به دولت رؤسا و مدیران سازمانها و مؤسسات مملکتی و رؤسا و مدیران سازمانها و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و کفیل یا قائم مقام هر یک از مقامات مذکور و رؤسا و مستشاران و دادستان دیوان محاسبات و دارندگان پایه‌های قضایی که به سبب شغل و وظیفه مرتکب جرم شوند". قانونگذار جمهوری اسلامی ایران ابتدا جرم اختلاس را در ماده ۷۵ قانون تعزیرات سابق<sup>۱۲</sup> مقرر و عنوان ماموران دولتی را نه تنها احصاء بلکه در تبصره یک آنکارمندان و کارکنان قوای مقننه و قضاییه را نیز مشمول جرم اختلاس مندرج در این ماده قرار داد.

<sup>۱۱</sup> محمودی، ۱۳۷۷

<sup>۱۲</sup> شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۲

۱۲. ماده ۷۵ ق.ت. سابق: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و ماموران به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی و دیوان محاسبات عمومی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند، و دارندگان پایه‌های قضایی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه



اما از آن جا که سیاست کیفری قانونگذار ایجاب می نمود تا درصددجلوگیری و مبارزه با مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری بر آید، در سال ۱۳۶۴ قانون خاصی تحت عنوان " قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری" توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۶۷/۹/۱۵ به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید. با عنایت به این که این قانون نسبت به سایر قوانین نسبتاً مناسب بود، به همین جهت در سال ۱۳۷۵ که قانون تعزیرات اصلاح شد، بحثی تحت عنوان اختلاس در قانون جدید پیش بینی نگردید و در حال حاضر رکن قانونی جرم اختلاس مقررات ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری خواهد بود که مقرر می دارد: «هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می شوند و یا دارندگان پایه قضایی و بطور کلی قوای سه گانه وهمچنین نیروهای مسلح و ماموران به خدمات عمومی اعم از رسمی یا غیر رسمی و جوه یا مطالبات یا حوالهها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هریک از سازمانها و مؤسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و... مجازات خواهد شد.»

عنصر قانونی جرم اختلاس در قانون مجازات سوریه در ماده ۳۴۹ مقرر شده است که همانند عنصر قانونی این جرم در قانون مجازات لبنان می باشد. قانونگذار مصری نیز به تبعیت از ماده ۱۶۹ قانون مجازات فرانسه درباره جرم اختلاس، عین همان ماده را در ماده ۹۷ خود پیش بینی کرده است.<sup>۱۳</sup> و قانونگذار عراق نیز در مواد ۳۱۶ تا ۳۲۰ قانون مجازات به جرم اختلاس و جرایم مشابه پرداخته است.<sup>۱۴</sup>

#### بند دوم: رکن مادی

با عنایت به عنصر قانونی جرم اختلاس، و تعریفی که از آن به عمل آمد، ارکان تشکیل دهنده آن، رکن مادی و معنوی می باشد، که در این مبحث به رکن مادی پرداخته می شود.

مرتکب می بایست نسبت به مال و یا اشیاء دیگری که به حسب وظیفه او سپرده شده خیانت کند لذا صرف قصد موجب تعقیب کیفری نیست و عمل ارتكابی است که عنوان جرم دارد. با مقایسه ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری با ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی ملاحظه می شود که مقنن در جرم اختلاس و خصوصیت «مامور دولت» و «بر حسب وظیفه» را به جرم خیانت در امانت به مفهوم اختصاص داده است.<sup>۱۵</sup> به عبارت دیگر یکی از فروض جرم خیانت در امانت به معنای اخص، جرم اختلاس می باشد که اختلاف آن با خیانت در امانت آن است که مرتکب آن مامور دولت بوده و نسبت به اموال

به آنها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کرده به عنوان مختلس علاوه بر مجازات مقرر اداری ورد وجه یا مال مورد اختلاس به حبس از شش ماه تا نوجده سال محکوم می شود.

تبصره: کارمندان و کارکنان قوای مقننه و قضائیه نیز مشمول این ماده خواهند بود.

<sup>۱۳</sup> یک، احمد امین: ص ۶۷۰

<sup>۱۴</sup> الجورانی، ۱۹۹۰: ۲۹

<sup>۱۵</sup> شامبیاتی، ۱۳۷۵: ۱۳۳



متعلق به دولت یا اموالی که از طرف اشخاص نزد دولت بهمانند گذاشته شده و به حسب شغل یا ماموریت نزد وی می باشد مرتکب خیانت می شود.<sup>۱۶</sup>

#### مبحث چهارم: اختلاس از شرکتهای سهامی غیر دولتی

با عنایت به روند خصوصی سازی در کشورهای جهان، و کاهش تصدیات دولتی، این سؤال مطرح می شود که آیا اختلاس از رکت خصوصی متصور است؟ به عبارت دیگر، امروزه در بسیاری از کشورها بانکها، مؤسسات، شرکتهای تعاونی خصوصی، احزاب، سندیکاها و صدهامورد دیگر، اموال مردم را در اختیار دارند، حال سؤالی که مطرح است این است که اگر یکی از کارمندان احزاب سیاسی یا شرکتهای خصوصی و غیره، اموالی را که به حسب وظیفه او سپرده شده است تصاحب نماید آیا می توان با توسعه دایره جرم اختلاس، از اموالچنین شرکتهایی نیز حمایت کیفری نمود.

در حقیقت سؤال فوق به این نکته بر می گردد که در تحقق جرم اختلاس کارمند دولت بودن شرط است یا این که معیار تحقق این جرم در اختیار داشتن اموال دیگران بر حسب وظیفه و تصاحب آنها به نفع خود یا دیگری می باشد؟

قانونگذار ما در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، کارمند دولت بودن را یکی از عناصر تحقق جرم اختلاس می داند. و اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در دو نظریه مشورتی بر این باور می باشد که:

اولاً، اصل بر این است که تصرف و تصاحب در اموال متعلق به دولت از مصادیق جرم اختلاس است و استثنائاً دخل و تصرف در اموالی که بر حسب وظیفه به کارمندان دولت سپرده شده در حکم اختلاس است.<sup>۱۷</sup>

ثانیاً، بزهی که در شرکت دولتی اختلاس نام دارد در شرکت خصوصی ممکن است از مصادیق خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا سرقت باشد.<sup>۱۸</sup>

بیشتر قوانین کشورهای عربی، تصاحب اموال شرکتهای سهامی را اختلاس نمی نامند. اما قانونگذار مصری در ماده ۱۱۳ مکرر از قانون مجازات ظاهراً با اقتباس از قانون فرانسه تصاحب اموال شرکتهای سهامی را به عنوان جرم اختلاس پیش بینی نموده است.

این ماده اشعار می دارد: "هر یک از رؤسا یا اعضای هیات مدیره یکی از شرکتهای (سهامی) یا مدیر یا کارمند آن شرکتها، اموال یا اوراق یا غیر آنها که به حسب وظیفه در اختیارش بوده است اختلاس نماید یا بدون دلیل در آنها تصرف نماید (تصرف غیر مجاز نموده) یا حیات و استیلاء بر آنها را برای دیگری تسهیل نماید، به هر طریقی که باشد به مدتی که از ۵ سال تجاوز نمی کند به زندان محکوم می شود. و مجازات حبس در صورتی که استیلاء بر مال به نیت تصاحب صورت نپذیرد، از دو سال تجاوز نمی کند و"<sup>۱۹</sup> ... «

یکی از حقوقدانان مصر درباره این ماده می گوید: "این ماده شامل جرم دانستن همان اعمالی است که بر اساس ماده ۱۱۲ و ۱۱۳ قانون مجازات مصر که یکی شامل اختلاس و دیگری شامل تصرف غیر قانونی است، می باشد.

و لکن اختلاف اساسی بین ماده ۱۱۳ مکرر و ماده ۱۱۲ و ۱۱۳ قانون مجازات درباره سمت مرتکب می باشد، زیرا بر اساس ماده ۱۱۳ مکرر، مرتکبه کارمند عمومی است و نه در حکم کارمند است، بلکه این شخص رئیس، عضو، مدیر عامل و یا کارمند یکی از

<sup>۱۶</sup> میرمحمد صادقی، ۱۳۷۶: ۱۶۰



شرکتهای سهامی است.<sup>۲۰</sup> « علت جرم دانستن چنین عملی به عنوان جرم اختلاس، اهمیت فعالیت اقتصادی برای چنین شرکتهایی می باشد.<sup>۲۱</sup>

نجیب حسنی از حقوقدانان مصر در توضیح ارکان جرم ماده ۱۱۳ مکرر قانون مجازات مصر می گوید: «تحقق این جرم نیاز به وجود چهار رکن دارد: سمت مرتکب، موضوع جرم، رکن مادی و رکن معنوی».  
**قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری**

ماده (۱) هر کس از راه حیله و تقلب مردم را به وجود شرکتهای یا تجارتخانه های یا کارخانه ها یا موسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاصا حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

در صورتیکه شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت ماموریت از طرف سازمانها و موسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکتهای دولتی یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادها و موسسات مامور بخدمت عمومی اتخاذ کرده یا اینکه جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسائل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و سازمانهای دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی بخدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ده سال و انفصال ابد از خدمت دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود.

تبصره ۱: در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه دادگاه میتواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد ولی نمیتواند به تعلیق اجرای کیفر حکم دهد.

تبصره ۲: مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتیکه نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم میشود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا همپراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پائین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند.

<sup>۱۷</sup>. شهری و ستوده، ۱۳۷۷: ۴۶۴

<sup>۱۸</sup>. همان، ص ۴۶۵

<sup>۱۹</sup>. المادة ۱۱۳ مکرر، قانون العقوبات. نقل از الدكتور محمود نجیب حسنی، شرح قانونالعقوبات القسم الخاص، ۱۹۹۲، دار النهضة العربية، ص ۱۱۷.

<sup>۲۰</sup>. همان، ص ۱۱۹

<sup>۲۱</sup>. همان، ص ۱۱۸



ماده ۲) هر کس بنحوی از انحاء امتیازاتی راکه به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض میگردد نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته میشود در معرض خرید و فروش قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده نماید و یا در توزیع کالاهائی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید مرتکب تقلب شود و یا بطور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال به مجازات سه ماه تا دو سال حبس و یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال بدست آمده محکوم خواهد شد .

تبصره: در موارد مذکور در این ماده در صورت وجود جهات تخفیف و تعلیق دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره ۱ ماده ۱ این قانون خواهد بود .

ماده ۳) هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی اعم از قضایی و اداری یا شوراها یا شهرداریها یا نهادهای انقلابی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح یا شرکتهای دولتی یا سازمانهای دولتی وابسته به دولت و یا مامورین به خدمات عمومی خواه رسمی یا غیر رسمی برای انجام دادن یا انجام ندادن امری که مربوط به سازمانهای مزبور می باشد وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیماً یا غیر مستقیم قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف قبول نماید در حکم مرتشی است اعم از این که امر مذکور مربوط به وظایف آنها بوده یا نداده و انجام آن برطبق حقانیت و وظیفه بوده یا نبوده باشد و یا آن که در انجام یا عدم انجام آن موثر بوده یا نبوده باشد به ترتیب زیر مجازات می شود .

در صورتیکه قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از بیست هزار ریال نباشد به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد و بیش از این مبلغ تا دویست هزار ریال از یکسال تا سه سال حبس و جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب در مرتبه مدیر کل یا همپراز مدیر کل یا بالاتر باشد به جای انفصال موقت به انفصال دائم از مشاغل دولتی محکوم خواهد شد.

در صورتی که قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از دویست هزار ریال تا یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

در صورتی که قیمت مال یا وجه ماخوذ بیش از یک میلیون ریال باشد مجازات مرتکب پنج تا ده سال حبس به علاوه جزای نقدی معادل قیمت مال یا وجه ماخوذ و انفصال دائم از خدمات دولتی و تا ۷۴ ضربه شلاق خواهد بود و چنانچه مرتکب در مرتبه پایین تر از مدیر کل یا همپراز آن باشد بجای انفصال دائم به انفصال موقت از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد .

تبصره ۱: مبالغ مذکور از حیث تعیین مجازات و یا صلاحیت محاکم اعم از اینست که جرم دفعتا واحده و یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ ماخوذه بالغ بر نصاب مزبور باشد.

تبصره ۲: در تمامی موارد فوق مال ناشی از ارتشاء بعنوان تعزیر رشوه دهنده به نفع دولت ضبط خواهد شد و چنانچه راشی به وسیله رشوه امتیازی تحصیل کرده باشد این امتیاز لغو خواهد شد .



تبصره ۳: مجازات شروع به ارتشاء حسب مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد خواهد بود( در مواردی که در اصل ارتشاء انفصال دائم پیش بینی شده است در شروع به ارتشاء بجای آن سه سال انفصال تعیین می شود ) و در صورتی که نفس عمل انجام شده جرم باشد به مجازات این جرم نیز محکوم خواهد شد .

تبصره ۴: هر گاه میزان رشوه بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد ، در صورت وجود دلایل کافی ، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است واین قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از پایان مدت بازداشت موقت کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهایی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت ، هیچگونه حقوق و مزایایی تعلق نخواهد گرفت .

تبصره ۵: در هر مورد از موارد ارتشاء هر گاه راشی قبل از کشف جرم مامورین را از وقوع بزه آگاه سازد از تعزیر مالی معاف خواهد شد و در مورد امتیاز طبق مقررات عمل میشود و چنانچه راشی در ضمن تعقیب با اقرار خود موجب تسهیل تعقیب مرتشی را فراهم نماید تا نصف مالی که بعنوان رشوه پرداخته است به وی بازگردانده می شود و امتیاز نیز لغو میگردد.

ماده (۴) کسانیکه با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوه کسب کرده اند بنفع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد ، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال وانفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم میشوند و در صورتیکه مصداق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها ، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

ماده (۵) هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراها و یا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره میشوند و یا دارندگان پایه قضائی و بطور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مامورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیر رسمی وجوه یا مطالبات یا حواله ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است بنفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و بترتیب زیر مجازات خواهد شد .

تبصره ۱: در صورتیکه میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ششماه تا سه سال حبس و شش ماه تا سه سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به دو تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود

تبصره ۲: چنانچه عمل اختلاس توأم با جعل سند و نظایر آن باشد در صورتیکه میزان اختلاس تا پنجاه هزار ریال باشد مرتکب به ۲ تا ۵ سال حبس و یک تا ۵ سال انفصال موقت و هر گاه بیش از این مبلغ باشد به ۷ تا ده سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و در هر دو مورد علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس به جزای نقدی معادل دو برابر آن محکوم می شود .

تبصره ۳: هر گاه مرتکب اختلاس قبل از صدور کیفر خواست تمام وجه یا مال مورد اختلاس را مسترد نماید دادگاه او را از تمام یا قسمتی از جزای نقدی معاف می نماید و اجراء مجازات حبس را معلق ولی حکم انفصال درباره او اجراء خواهد شد.

تبصره ۴: حداقل نصاب مبالغ مذکور در جرائم اختلاس از حیث تعیین مجازات یا صلاحیت محاکم اعم از اینست که جرم دفعتا واحده یا به دفعات واقع شده و جمع مبلغ مورد اختلاس بالغ بر نصاب مزبور باشد.



تبصره ۵: هر گاه میزان اختلاس زائد برصد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یکماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهائی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچگونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت.

تبصره ۶: در کلیه موارد مذکور در صورت وجود جهات تخفیف دادگاه مکلف به رعایت مقررات تبصره یک ماده یک از لحاظ حداقل حبس و نیز بنا به مورد حداقل انفصال موقت و یا انفصال دائم خواهد بود.

ماده ۶) مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم میشود.

مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر و یا همپراز آنها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پائین تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می شوند.

ماده ۷) در هر مورد از بزه های مندرج در این قانون که مجازات حبس برای آن مقرر شده در صورتی که مرتکب از مامورین مذکور در این قانون باشد از تاریخ صدور کیفر خواست را به اداره یا سازمان ذیربط اعلام دارد. در صورتی که متهم به موجب رای قطعی برائت حاصل کند ایام تعلیق جزء خدمت او محسوب و حقوق و مزایای مدتی را که بعلت تعلیقش نگرفته دریافت خواهد کرد.

ماده ۸) کلیه دستگاههایی که شمول قانون نسبت به آنها مستلزم ذکر نام است مشمول این قانون خواهند بود همچنین کلیه مقررات مغایر این قانون لغو میشود.

### نتیجه گیری:

بخش خصوصی شریکی برای مبارزه مهمترین خصایص فساد را می توان در عناصری مانند فساد پدیده ای پنهانی است، طبیعت پیچیده آن، تنوع فساد و دشواری تشخیص و پیشگیری و مبارزه با آن جستجو کرد. از این نظر می توان به برخی از تعاریف معروف از فساد اشاره کرد:

(۱) فساد سوء استفاده از قدرت تفویض شده است.

(۲) بهره گیری از منابع بخش عمومی برای منافع و عایدات شخصی است.

(۳) انحراف از وظیفه عمومی یا نقض آن با دریافت نوعی امتیاز غیرموجه و غیرقانونی و به طریق پنهانی است.

نگاهی به مصادیق فساد در مواد ۱۵ تا ۲۰ کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد تحت عنوان "ارتشاء مقامات دولتی داخلی"، "ارتشاء مقام های دولتی خارجی و مقام های سازمان های عمومی بین المللی"، "حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام های دولتی"، "دلالتی نفوذ"، "سوء استفاده از وظایف"، "دارا شدن من غیر حق" جمله گوی دلالت صریح به فساد در بخش عمومی دارد و شامل فساد مرتبط با بخش خصوصی با عمومی و خصوصی با خصوصی نمی شود، به همین جهت است که تدوین کنندگان کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد از تعریف فساد صرف نظر کرده تا کنوانسیون مذکور از جامعیت لازم برخوردار باشد و بتواند سایر اشکال فساد در بخش غیر عمومی را نیز در برگیرد.

کنوانسیون سازمان ملل متحد، اصول، استانداردها و معیارهایی را برای مبارزه با فساد پیش بینی کرده است که طبعاً اجرای صحیح آن ها می تواند در کاهش دامنه فساد موثر باشد.

شفافیت لازم در تصمیمات و اقدامات دستگاه های عمومی، پاسخگو بودن آنان، تعیین معیارهای عینی برای تصمیم گیری، تدوین استانداردهای رفتار حرفه ای کارکنان بخش عمومی و آموزش لازم آنان، گردش آزاد اطلاعات در نظام اداری، نظارت و کنترل های موثر و بهنگام از جمله اصول، استانداردها و معیارها است.

لیکن، تا زمانی که بخش خصوصی به جای رقابت سالم درصدد باشد با اقدامات فسادآمیز و توجیهاتی کار خود را پیگیری کند، امر مبارزه، با موفقیت چشمگیر مواجه نخواهد شد.

به عنوان نمونه: "پرداخت کمی رشوه می تواند باعث بهبود عملکرد بروکراسی ناکارآمد شود"، "از شکایت خود در زمینه وجود فساد در موسسات، شرکت ها و یا کشورها منصرف شوید"، "شما نمی توانید فرهنگ گرفتن رشوه را تغییر دهید، زیرا در اغلب کشورهای توسعه یافته فرهنگ فساد غالب شده است"، "ما ناگزیر هستیم برای پیشرفت امور تجاری خود حتی با روش های غیر اخلاقی در برخی از کشورها اقدام نماییم"، "برای سرعت بخشیدن به انجام یک خدمت و یا تامین یک مایحتاج پرداخت های غیررسمی رشوه قانونی قلمداد شود"، "پرداخت رشوه، جزیی از هزینه کار محسوب می شود".

نتیجه این توجیهات این است که همواره سلامت بخش های عمومی و خصوصی در معرض تهدید و آسیب قرار دارند. یکی از مهمترین چالش هایی که سیاستگذاران و طرفداران مبارزه با فساد با آن مواجه هستند، چگونگی بکارگیری بخش خصوصی در امر پیشگیری و مبارزه با فساد است. مبارزه با فساد در بخش خصوصی عنصر مهم استراتژی مبارزه است، به این معنا که:

- فساد بخش خصوصی نه تنها بخش عمومی را تحت نفوذ خود قرار می دهد، بلکه دایماً منافع بخش خصوصی را که تمایل دارد به نحو درستی فعالیت کند، منحرف کرده و این بخش را تحت تاثیر قرار می دهد.



**ICESAL 2015**  
International Conference on  
Engineering Sciences  
Art and Law

**ICEMSS 2015**  
International Conference on  
Economics, Management  
and Social Sciences

- فساد یک مجموعه چند بعدی است که مبارزه موثر و کارا با آن ، نیاز به اقدام همه جانبه داشته و اقدام یک سویه نمی تواند به نحو قابل ملاحظه ای میزان و شدت آن را کاهش دهد. به عبارت دیگر لازمه مبارزه با فساد توجه به هر دو بخش عمومی و خصوصی است و ضرورتاً اقدامات متوازن و هماهنگ را می طلبد .
- هر چند قرآینی وجود دارد که بخش خصوصی در راستای کاهش ریسک ناشی از اقدامات فساد انگیز، واکنش هایی را نشان داده است، اما این واکنش ها، کافی، متحداً شکل، منطقه ای و جهانی نبوده است. ضمن آنکه تعداد قابل توجه ای از شرکت ها و موسسات جهان هیچگونه تغییری در رویه های بازرگانی خود مبنی بر پرداخت رشوه، کمیسیون به دولتمردان در ازای اخذ امتیازات بازرگانی نداده اند. به طور کلی هنوز بسیاری از موسسات و شرکت های مشهور دنیا کاملاً مشکل را درک نکرده و پرچمدار مبارزه با رشوه و فساد نشده اند .



### منابع و ماخذ:

- آخوندی، عباس، (۱۳۸۲) "مبانی نظری خصوصی سازی از منظر رابطه دولت و بازار"، چاپ اول، انتشارات پیشرو، تهران
- الجورانی، عبدالرحمن (۱۹۹۰) جریمة الاختلاس الاموال العامة فی التشريع والقضاء العراقي، مطبعة الجاحظ، بغداد.
- بک، احمد امین: شرح قانون العقوبات الاهلی، الدار العربية للموضوعات، ج ۱.
- ذوالمجد طباطبایی، احمد (۱۳۳۹)، "عناصر متشکله بزه اختلاس"، مجله کانون وکلاء، شماره ۷۴.
- ربیعی، علی، مبارزه با فساد اقتصادی، خبرگزاری آفتاب، تاریخ دریافت مطلب از سایت: خرداد ۱۳۸۵. آدرس سایت: <http://www.aftabnews.ir/vdch-wn23mnqk.html>
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۶)، سرطان اجتماعی فساد، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- سایت سازمان شفافیت بین الملل (شاخص سنجش فساد)
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۷۵) جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات توپستار، چاپ دوم،
- شهری، غلامرضا و ستوده جهرمی، سروش (۱۳۷۷) نظریه‌های اداره حقوقی قوه قضاییه در زمینه مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱، ناشر: روزنامه رسمی کشور، چاپ دوم، ۱۳۷۷
- عالی پور، حسن (۱۳۸۴) "بررسی و تحلیل جرم اختلاس شبکه ای" نشریه حقوق دادرسی. شماره ۵۴
- فتح‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۳)، بررسی عوامل بروز فساد اداری و راهکارهای پیشگیری و کاهش آنها، دانش حسابرسی، شماره ۱۳ پاییز.
- محمودی، عباسعلی (۱۳۷۷) روزنامه سلام، شماره ۲۰۳ مورخ ۱۴ دی ماه
- میر محمد صادقی (۱۳۸۵) حسین، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی / تهران، نشر میزان، چاپ: هفتم، زمستان
- نجیب حسینی، محمود (۱۹۸۴) جرایم الاعتدا علی الاموال، بیروت، دارالنهضة العربیه
- همدی، خطبه‌سرا، ابوالفضل (۱۳۸۳) "فساد مالی، علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن" انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- *Rose-Ackerman S (1999) Corruption and government: causes, consequences, and reform, Cambridge University Press, Cambridge*
- *Hill KQ (2003) «Democratization and corruption—systematic evidence from the American states», American Politics Research, Vol. 31, No.6, PP.613–631.*